

منافع حج از نگاه علامه طباطبایی(ره)

مرحوم علامه طباطبایی در توضیح منافع حج چنین می‌نگارند...



مرحوم علامه طباطبایی در توضیح منافع حج چنین می‌نگارند:

«#منافع دو گونه است: دنیوی و اخروی.

منافع دنیوی عبارت است از آنچه سرمایه تعالی حیات اجتماعی انسان باشد و زندگی را رونق دهد و حوائج گوناگون را برآورده سازد و کاستی‌های مختلف در زمینه تجارت، سیاست، ولایت، مدیریت، و آداب و رسوم و سنت‌ها و عادات و همکاری‌های مختلف و همیاری اجتماعی و نظایر آن را جبران کند.

هر گاه گروهها و اجتماعاتی از مناطق مختلف زمین، با نژادها و رنگ‌ها و با آداب گوناگون که دارند، گرد آیند و یکدیگر را بازشناسند در حالی که همه بر یک سخن، که سخن حق است، متفق‌اند و پروردگار یگانه را بپرستند و به سوی یک قبله رو کنند، این وحدت روحانی، آنان را به اتحاد ظاهری نیز فرا می‌خواند.

همانگونه که گفتارشان یکی است عملشان را نیز همگون ساخته و از صمیم جان به تبادل امکانات و همیاری در حل مشکلات خود خواهند پرداخت و از آنچه در توان دارند در تعاون به یکدیگر بهره خواهند گرفت بدینسان هر جامعه کوچکی به جامعه‌ای بزرگ تبدیل می‌شود و گروهها به یکدیگر می‌پیوندند و توده‌ای عظیم تشکیل داده و نیرو و توان و امکانات خود را بر یکدیگر می‌افزایند، بدانگونه که کوه‌های سر به فلک کشیده در برابر آن تاب مقاومت نخواهند داشت.

هیچ قدرت اهریمنی بر آنها فائق نخواهد آمد و بدیهی است که هیچ عاملی چون اتحاد و همبستگی، برای حل مشکلات کارآیی ندارد و دستیابی به وحدت و همبستگی جز از طریق تفاهم میسر نیست و برای تفاهم هیچ چیز مانند دین و ایمان نقش نخواهد داشت.

اما منافع اخروی؛ عبارت است از تقرب به خدا و به آنچه عبودیت انسان را در قالب گفتار و عمل متبلور می‌سازد. اعمال و مناسک حج در بردارنده انواع عبادات است؛ چون توجه به خدا و ترک لذائذ مادی و مشاغل زندگی و پیمایش طریق عبودیت با تحمل سختی‌ها و طواف خانه خدا و نماز و قربانی و انفاق و روزه و امثال آنها ...

عمل حج با ارکان و اجزایی که دارد، نمودار کاملی است از آنچه ابراهیم خلیل (علیه السلام) در مراحل توحید و نفی شرک و اخلاص بندگی . بدین ترتیب تاسی به حضرت ابراهیم (علیه السلام) و آمدن مردم به زیارت خانه خدا این منافع اخروی و دنیوی را در بردارد و چون این منافع را دریافتند بدان چنگ خواهند زد، زیرا انسان بدینگونه سرشته شده که خیر و منفعت خود را دوست بدارد و در طلب آن باشد.»

منبع:

برگرفته از تفسیر المیزان، ج ۱۴، صص ۴۰۶ - 405.